

مُردن به وقت تابستان

گرمای طاقت‌فرسا تابستان، جان کارگران جنوبی ایران را تهدید می‌کند و بی‌توجهی به پروتکل‌های ایمنی و نبود آمار دقیق این بحران را شدیدتر کرده است



▲ خبر مرگ کارگران بر اثر گرما، نکته‌ای است که قلب هر انسانی را به درد می‌آورد و ذهن مسئولان باید درپی چاره‌جویی باشد

بیستم مردادماه دو کارگر، یکی در پالایشگاه پارس جنوبی و دیگری در پتروشیمی بندر امام، جان خود را بر اثر گرم‌زدگی از دست دادند و یک کارگر هم راهی بیمارستان شد. کمی قبل‌تر، در ۲۵ تیرماه، کارگر دیگری در دزفول حین انجام کار در ماشین دچار گرم‌زدگی شد و جان داد؛ حتی در تهران نیز خبر فوت یک راننده تاکسی بر اثر گرما را داشتیم. با این وجود، آمار دقیقی از مرگ کارگران بر اثر گرم‌زدگی در دست نداریم و آنچه در رسانه‌ها منتشر می‌شود، کمتر از چیزی است که در واقعیت اتفاق می‌افتد.

گزارش و راهنمایی‌های فنی WHO و WMO که خود مؤید گزارش‌های اخیر سازمان بین‌المللی کار (ILO) است، نشان می‌دهد بیش از ۲.۴ میلیارد کارگر در سطح جهان در معرض گرمای بیش از حد قرار دارند و این روند منجر به بیش از ۲۲.۸۵ میلیون آسیب شغلی در هر سال می‌شود.

طبق گزارش ILO، سهم کارگران در معرض گرمای شدید از حدود ۶۵درصد در سال ۲۰۰۰ به ۷۰درصد یا بیشتر در سال‌های اخیر رسیده‌است.

همچنین برآورد‌های سازمان بین‌المللی کار نشان می‌دهد هر ساله، ۲۲/۸۵ میلیون آسیب شغلی، ۱۸۹۷۰ مورد مرگ و میر و ۲٫۰۹ میلیون سال‌زندگی با ناتوانی مرتبط با قرار گرفتن در معرض گرمای بیش از حد در محل کار رخ می‌دهد. از سوی دیگر، با هر درجه سانتی‌گراد افزایش دما بهره‌وری کارگران بین ۳ تا ۳ درصد کاهش می‌یابد.

بحث گرم‌زدگی و مواجهه با گرما به دو شکل می‌تواند

مخاطره‌آمیز باشد: اول، ممکن است به صورت ناگهانی

باعث بروز حادثه و تهدید سلامت کارگر شود و دوم،

مواجهه مزمن با گرما در بلندمدت می‌تواند اثرات منفی

بر بدن داشته باشد.

فوت حداقل ۱۲ کارگر بر اثر گرما

طبق اخبار رسمی، از ابتدای تابستان ۱۳۹۵ تا ابتدای شهریور امسال، ۱۲ کارگر ساختمانی وصنعت فلز‌کاری و نفت و گاز در استان‌های خوزستان، بوشهر و هرمزگان به دلیل گرم‌زدگی در زمان کار، فوت کرده‌اند.

این اخبار کامل نیست؛ تابستان هر سال، در استان‌های جنوبی تعداد زیادی از کارگران دچار گرم‌زدگی می‌شوند، تعدادی از کارگران به دلیل افت هوشیاری ناشی از گرم‌زدگی، دچار حوادث منجر به قطع عضو و نقص معلولیت می‌شوند، تعدادی نیز به دلیل شدت گرم‌زدگی، دچار ایست قلبی تنفسی می‌شوند و جان می‌بازند.

مواجهه با عوامل زیان‌آور به صورت عوامل شیمیایی مثل سرب، آزنست، گازها و بخارات و... عوامل زیان‌آور فیزیکی مثل تنش گرمایی، صدا، روشنایی نامطلوب و... می‌تواند منجر به تهدید سلامت و فعالیت طبیعی بدن شود. اگر نوع تهدید سلامت را به دو گروه بیماری (عارضه‌ای که به مرور زمان به دلیل تغییر در سازوکار داخلی بدن ایجاد می‌شود) و حادثه (عارضه‌ای که در مدت زمان بسیار کوتاه بنا به دلایل غیر فیزیولوژیکی یا فیزیولوژیکی به وجود می‌آید) تقسیم کنیم، بعضی از عوامل زیان‌آور منجر به حادثه و بعضی باعث بروز بیماری

و برخی در صورت به‌وجود آمدن شرایط می‌تواند منجر به بروز هر دو نوع تهدید شوند.

همراه با تعریق به عنوان اولین و بهترین راه کاهش دمای مرکزی بدن، میزان بسیار زیاد آب و الکترولیت خارج می‌شود. سدیم، کلر و پتاسیم الکترولیت‌هایی هستند که به واسطه تعریق از بدن خارج می‌شوند. کاهش سطح الکترولیت در بدن می‌تواند علائمی مانند گرفتگی عضلات، ضعف و خستگی شدید، افت فشار خون، آریتمی قلبی، تشنج، سرگیجه و غیره به دنبال داشته باشد.

طبق آمار ACGIH (انجمن متخصصین بهداشت صنعتی آمریکا) نیمی از افرادی که دچار حمله گرمایی در محل کار یا محل‌های غیر کاری شده‌اند به احتمال بسیار زیاد به واسطه این مساله فوت می‌کنند. کما اینکه در سال‌های اخیر مرگ به دلیل مواجهه با گرما در صنایع و همچنین کشورهای اروپایی، هند و... به دلیل افزایش دما گزارش شده است. جالب اینکه این آمار سنگین در مورد هیچ کدام از عوامل زیان‌آور محیط کار حتی با سمیت یا اثر منفی بالا، محتمل نیست.

مرگ‌هایی که کسی گردن نمی‌گیرد

بسیاری از کارگران به دلیل ناآگاهی از علائم گرم‌زدگی، نمی‌دانند که بسیاری از حوادث در کارگاه‌های روباز، بر اثر کاهش هوشیاری ناشی از گرما زدگی است و به همین دلیل، حادثه را به عوامل دیگری ربط می‌دهند و بنابراین، آمار دقیقی از فوت به دلیل گرم‌زدگی وجود ندارد.

در سال ۱۳۹۵ کارشناسان بهداشت حرفه‌ای در گزارشی با عنوان «قوانین و استانداردهای کلیدی برای پیشگیری از بیماری‌های ناشی از گرما» اعلام کردند «مواجهه مداوم با درجه حرارت بالا و گرما ممکن است به بیماری‌های ناشی از گرما از جمله راش‌های حرارتی، سنکوپ گرمایی، کرامپ‌های عضلانی حاصل از گرما، گرم‌زدگی و شوک گرمایی منجر شود. شوک گرمایی، وخیم‌ترین نوع بیماری ناشی از گرماست و در محیط‌های کاری گرم و مرطوب و بر اثر کار فیزیکی سنگین و زمان‌های استراحت ناکافی رخ می‌دهد.

در شوک گرمایی ناشی از مواجهه محیطی، دمای مرکزی بدن به بالاتر از ۴۱ درجه سانتیگراد افزایش می‌یابد. ترتیب علائم شوک گرمایی شامل سردرد، اختلال در تکلم، رفتارهای عجیب و غریب، سرگیجه،

خستگی، توهم، گرفتگی عضله، پریشانی و در نهایت کماست. شوک گرمایی یک حالت اورژانس پزشکی و نیازمند تشخیص فوری و مداخلات درمانی است. اگر دمای مرکزی بدن بسیار بالا برود، مرگ بر اثر اختلال در ارگان‌های حیاتی رخ می‌دهد.»

اظهارنظرها درباره حوزه ایمنی در قبال گرما درحالی است که بسیاری از پروتکل‌های مقابله با گرما همچنان در شرکت‌ها به خوبی اجرا نمی‌شود. انجمن بهداشت حرفه‌ای و ایمنی شغلی بین‌المللی زیر نظر سازمان جهانی کار (OHSا) پروتکل‌هایی دربرابر اشتغال در محیط گرم تهیه کرده که بخشی از پروتکل‌های مراقبتی آن عبارت است از: سنجش و کنترل و تلاش برای کاهش رطوبت هوا و خشک‌سازی محیط کار، تلاش برای رساندن آب بیشتر به بدن کارگران و استفاده از البسه کاملاً استاندارد و بهداشت فردی، بخشی از این پروتکل هاست.

متولی ارائه آمارها کیست؟

علیرضا میرغفاری، رئیس هیات مدیره کانون انجمن‌های صنفی کارگری پالایشگاه‌های گاز استان بوشهر در گفتگو با آتیه‌نو با اشاره به عدم دسترسی به آمارهای دقیق در این حوزه می‌گوید: «برای حوادث ناشی از کار و فوونی‌های ناشی از آن سه منبع وجود دارد که عبارتند از سازمان تأمین اجتماعی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و پزشکی قانونی.»

او ادامه می‌دهد: «با وجود این سه منبع آمار درستی از فوتی‌ها وجود ندارد چرا که بخش قابل توجهی از کارگران

غیر رسمی و غیر بیمه‌ای هستند و بر این اساس در آمار سازمان تأمین اجتماعی لحاظ نمی‌شوند. بطور مثال در مورد کارگران ساختمانی که بخش قابل توجهی از آسیب‌های شغلی به آنها برمی‌گردد همواره بخش اعظم نیروها فاقد بیمه هستند. در حوزه‌های دیگر نیز دقیقاً شرایط مشابهی حاکم است.»

میرغفاری مشکل دیگر را عدم تفکیک آمارهای فوت ناشی از اشتغال دانسته و تأکید می‌کند: «وقتی آمار مرگ و میرهای ناشی از کار اعلام می‌شود تفکیکی وجود ندارد که بدانیم چه تعداد از آنها بر اثر گرما یا هر عامل دیگری جان باخته‌اند.»

او می‌افزاید: «با این‌همه نکته مشخص آنکه بخش اعظم مرگ و میرهای ناشی از گرما به استان‌های جنوبی کشور مربوط می‌شود و در این میان صنعت نفت، گاز و پتروشیمی سهمی قابل توجه در این حوزه دارند. در

گرمایی کشنده‌تر از جنگ

صد نفر بروند و ۵۰ نفر برنگردند وجود داشته باشد! بنابراین می‌توان گفت تنش حرارتی یکی از خطرناک‌ترین عوامل زیان‌آور محیط کار است و نباید به عنوان یک عامل زیان‌آور میانه به آن نگاه کرد.»

البته همان گونه که اشاره شد، آمار دقیقی از مرگ‌هایی که بر اثر گرما رخ می‌دهد وجود ندارد؛ چرا که گاه ممکن است گرم‌زدگی علت اصلی مرگ کارگر باشد، اما در گواهی فوت، دلیل دیگری مثل ایست قلبی ثبت شود.

زمینه‌تأمین انرژی از جمله گاز با توجه به اینکه نیمه دوم سال نیاز مبرمی به تولید وجود دارد راه گریزی نیست مگر آنکه در نیمه اول سال مباحثی مانند تعمیرات و اورهال واحدها انجام شود. در تابستان نیز در موارد متعدد در اخبار می‌آید که استان‌های جنوبی گرم‌ترین نقاط کره زمین بوده‌اند.»

میرغفاری می‌گوید: «در چنین شرایطی ما با آمار بالایی از کارگرانی که گرما زده می‌شوند مواجهیم و حتی می‌توان گفت در محدوده کارگاه‌های گاز ما حداقل هزار حادثه ناشی از گرما داریم که البته طبیعتاً تمام این موارد منجر به فوت نمی‌شود اما با وجود این آمار بالا از سوی کمیته‌های بازرسی وزارت کار کمتر به این امر توجه می‌شود. ضروری است در استان‌های جنوبی در فصل گرم سال تدابیر ویژه مثل استفاده از پودرهای ORS که در شرایط از دست رفتن آب طبیعی بدن برای جبران به کارگران کمک می‌کند؛ به کار گرفته شود یا در ساعات کاری و تغذیه تغییراتی ایجاد شود و کارهایی که قابل انتقال است به نیمه دوم سال موکول شود.»

رئیس هیات مدیره کانون انجمن‌های صنفی کارگری پالایشگاه‌های گاز استان بوشهر بر لزوم تصویب این موارد در کمیته حفاظت فنی و بهداشت تأکید کرده و می‌گوید: «اینجاست که در تدوین و نظارت بر اجرای این قوانین نقش وزارت کار پر رنگ می‌شود، به ویژه در صنعت نفت و گاز که کمترین ساعت کاری نیروها حدود ۹ تا ۱۰ ساعت است و اکثریت آنها ۱۲ ساعت در روز فعالیت دارند.»

اودرباره دستمزد این گروه از کارگران نیز تأکید می‌کند: «کارگرانی که با این ساعت کار بالا در این شرایط سخت کار می‌کنند اغلب کمترین دستمزد‌ها را دارند و در بسیاری موارد دریافتی آنها حدود ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان است. این در حالیکست که در صنعت نفت دریافتی‌ها بسیار متنوع بوده و حتی به ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون تومان هم می‌رسد، اما معمولاً نیروهای ستادی که شرایط بهتری برای اشتغال دارند دستمزد‌های بالا دریافت کرده و کارگران و نیروهای عملیاتی که اصل کار به واسطه آنها انجام می‌شود، در چنین وضعیت دستمزدی قرار دارند.»

میرغفاری در پاسخ به این سؤال که با وجود چنین شرایطی انجمن‌های صنفی چه پیگیری‌هایی برای بهبود شرایط کارگران انجام داده‌اند، می‌گوید: «از سال ۱۴۰۰ در محدوده پالایشگاه‌های ۱۲ گانه پارس جنوبی حوادث کار را به طور ویژه در دستور کار قرار دادیم و علاوه بر نامه‌نگاری با مجموعه‌های مختلف تلاش کردیم جامعه رسانه‌ای رانیز نسبت به این موضوع حساس کنیم؛ چرا که در گذشته نیز اتفاقات رخ می‌داد اما کمتر دیده می‌شد. ایمنی و بهداشت در این زمینه واقعاً کم‌رنگ بود و تلاش کردیم تمرکز بیشتری روی این موارد باشد؛ هرچند همچنان کمیته‌های ایمنی و بهداشت وزارت کار بدون حضور نماینده‌ای از قشر کارگری برگزار می‌شود.»

او در پایان می‌گوید: «برای تصمیم‌گیری درست در این باره باید درک درستی از شرایط وجود داشته باشد. در شهرهایی که گاه گرم‌ترین نقطه جهان می‌شوند و دمای هوا بالای ۴۵ درجه بوده و گاه حتی به بالای ۵۰ و حتی ۶۰ درجه می‌رسد، کارگران ۱۰ تا ۱۲ ساعت در روز کار می‌کنند و رطوبت هوا هم بالای ۹۰ درصد است. در چنین شرایطی شاید از هر ۱۰۰ نفر تا ۱۵۰ نفر کارگر یک کارگاه حداقل ۶ نفر در طول روز دچار گرم‌زدگی شوند.

درست است در روزهای خیلی گرم ممکن است کار تعطیل شود و در سایر روزها ساعت کاری از حوالی ۳۰:۱۰ تا ۱۵ متوقف می‌شود، اما همچنان کار در این شرایط نیازمند الزاماتی چون استقرار تیم‌های امداد و نجات و آتش‌نشانی و بهره‌گیری از تجهیزات خنک‌کننده، افزایش تیم‌های کاری و موارد متعدد دیگری است که در بسیاری موارد به راحتی نادیده گرفته می‌شوند.»

کارگری



A T I V E N O

یادداشتO P I N I O N



فرشید ایلاتی

کارشناس بازار مسکن

سهم بالای مسکن در زندگی کارگران

مسکن همواره یکی از اصلی‌ترین هزینه‌های خانوارهای ایرانی؛ به ویژه کارگران بوده و فشار آن بر بودجه خانواده‌ها به شکل محسوسی افزایش یافته است. بر اساس آمارهای رسمی، هزینه مسکن در تهران برای برخی دهک‌های درآمدی به ۷۰درصد درآمد خانوار رسیده و در برخی موارد تمام درآمد یکی از سرپرستان خانوار صرف تأمین مسکن می‌شود. میانگین سهم مسکن در سبد هزینه‌ای خانوارهای شهری و روستایی نیز به ۴۲ درصد افزایش یافته که نشان‌دهنده فشار گسترده بر بودجه خانوارهاست، به‌ویژه در شهرهای بزرگ که هزینه‌ها بسیار فراتر از میانگین کشوری است. این فشارها موجب شده حدود ۷.۵ میلیون خانوار مستاجر در کشور متقاضی مسکن حمایتی باشند و اگر ۷۰درصد آنان واجد شرایط باشند، چهار میلیون خانوار تحت پوشش طرح‌های حمایتی قرار می‌گیرند؛ رقمی که مطابق قانون جهش تولید مسکن هدف‌گذاری شده اما فاصله قابل توجهی با واقعیت دارد.

دولت برای تحقق اهداف مسکن دو ابزار اصلی در اختیار دارد: واگذاری زمین و تأمین تسهیلات بانکی. سازمان ملی زمین و مسکن حدود ۱.۸ میلیون هکتار زمین در محدوده و حریم شهرها در اختیار دارد که تنها ۱۰ درصد آن در داخل محدوده‌های شهری قابل استفاده برای طرح‌های مسکن است.

بسیاری از زمین‌های واگذارشده خارج از محدوده شهری و فاقد زیرساخت‌های لازم بوده و آماده‌سازی آن‌ها هزینه‌بر است. از سوی دیگر، نظام بانکی نیز عملکرد ضعیفی در اجرای تکالیف قانونی خود داشته است. بانک‌ها تاکنون تنها ۱۵ درصد از تعهدات خود در زمینه تأمین تسهیلات مسکن را اجرا کرده‌اند و بدون احتساب بانک مسکن، عملکرد سایر بانک‌ها کمتر از پنج درصد بوده است. این در حالی است که قانون بانک‌ها ملزم به اختصاص ۲۰ درصد تسهیلات خود به بخش مسکن کرده و در غیر این صورت مشمول جریمه مالیاتی می‌شوند که رقم آن تاکنون بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان است. بخش اجرای طرح‌های مسکن، ساخت حدود ۸۰۰ هزار واحد در قالب نهضت ملی مسکن آغاز شده، اما این میزان تنها معادل یک چهارم تکلیف قانونی است. بازار مسکن نیز هم‌اکنون در شرایط رکود تومی به سر می‌برد؛ تولید و عرضه مسکن جدید تقریباً متوقف شده اما قیمت‌ها همچنان روند صعودی دارند. رکود در بخش مسکن ناشی از مشکلات داخلی این بازار و بورس و طلا است، به‌طوری که عملکرد سایر بازارها تقاضای مسکن را کاهش داده و تورم در این بخش را تشدید کرده است. بازار مسکن ایران با چالش‌های جدی روبه‌روست؛ فقدان مدل توسعه شهری واحد و ضعف زیرساخت‌ها؛ به ویژه در کلانشهرها مانند تهران مشکلات گسترده‌ای ایجاد کرده است. دولت وظیفه دارد با سیاست‌های کنترلی و افزایش دسترسی به مسکن، فشار هزینه‌ای خانوارها را کاهش دهد، اما برنامه‌ریزی ناقص و اجرای ضعیف سیاست‌ها بسیاری از اهداف را ناکام گذاشته است. در بخش رهن و اجاره نیز نبود نظارت و قوانین شفاف موجب افزایش قیمت‌ها و کمبود مسکن مناسب شده است.